

## رنالیسم و آنیمیسیم در آثار ناصر کشاورز

فاطمه تفقدی<sup>۱</sup>

### چکیده

آشنایی با مکاتب ادبی به شیوه کاربردی و بررسی و تحلیل آن در آثار شاعران و نویسندگان، از مسائل قابل طرح به ویژه در سال های اخیر است. گرچه تحلیل آثار موجود در حوزه ی ادبیات کودک و نوجوان و انطباق آن با مکاتب ادبی تازگی دارد، اما ورود به این حوزه می تواند راه را برای منتقدان ادبی و تغییر جهت زاویه دید آن ها هموار سازد. این پژوهش با هدف ارزیابی کارکرد مکتب های ادبی در آثار کودک و نوجوان به ویژه دو مکتب رنالیسم و آنیمیسیم، به بررسی پنج مجموعه از آثار ناصر کشاورز با عناوین "از این طرف لطفاً فقط هیس"، "بوی نرگس"، "تلخ و شیرین"، "رنگ های گمشده" و "سیب جان سلام" پرداخته است. روش به کار رفته در این پژوهش روش توصیفی تحلیلی است و پس از بیان مفاهیم نظری، به بررسی توصیفی و تحلیلی مجموعه ها که سه مورد آن برای گروه سنی کودک و دو مورد آن برای گروه سنی نوجوان است پرداخته شده است. این دو مکتب از یک سو باتکیه بر واقعیت ها به دنیای واقعی کودک که همه چیز حتی عناصر غیر واقعی و ناموجود در ذهن او، واقعی و موجودند و از یک سو با تکیه بر جاندارانگاری و تخیل به دنیای آرمانی نوجوان نزدیک می شود. در بررسی مجموعه های مورد نظر می توان دریافت که رنالیسم با اشعار کودک و آنیمیسیم با اشعار نوجوان در پیوند است.

کلیدواژه ها: آنیمیسیم، رنالیسم، شعر کودک و نوجوان، ناصر کشاورز

### ۱. مقدمه

مکاتب ادبی در ایران گرچه شاید به طور اخص نمایندگانی نداشته باشد، اما برخی نویسندگان و شاعران، گاه آگاهانه و گاه ناخود آگاه، آثاری را در این حوزه، خلق کرده اند و اساساً چون بحث مکاتب ادبی و منشأ و خاستگاه آن در کشورهای اروپایی است، آثار هنری سرزمین مان اعم از شعر و رمان و نمایشنامه و... عمدتاً فارغ از مفرگرفتن در مقوله ی چنین دسته بندی هایی هستند. با این حال اگر بخواهیم در سرزمین مان خصوصاً آثار کودک و نوجوان را تحت عنوان مکاتب ادبی یا تحت عنوان گرایشات مکاتب ادبی جهان تقسیم بندی کنیم، این آثار با عناوین مکاتب قابل تفکیک است گرچه قرار گرفتن در هر یک از این مکاتب شاید هیچگاه دغدغه ی شاعر نبوده است و شاعر عمداً مکتبی را جهت ارائه ی اثر خویش انتخاب نکرده است و گاه حتی شاید خود نویسنده و سراینده، متوجه نباشد نوشته ها و سروده هایش در کدام تقسیم بندی می گنجد. در سال های اخیر بسیاری از شاعران کودک و نوجوان همانند شکوه قاسم نیا، اسدالله شعبانی، جعفر ابراهیمی، سید سعید هاشمی، افشین علاء، محمود پروهاب، شاهین رهنما، مهری ماهوتی، شاعرانی پرکار در این زمینه شناخته شده اند و تلاش شان بر این بوده است که فضای شعر این حوزه را به سطحی تقریباً قابل قبول و مطلوب برسانند، اما ناصر کشاورز (۱۳۴۱) در این میان بادیگاه و قالبی روش مند و کشفیاتی بدیع، همواره با اقبال شگفت انگیز از جانب مخاطب مواجه می شود. او از شاعران صاحب سبک است که سال ها با همکاری مجله ی کیهان بچه ها و برگزاری جلسات شعروچاپ آثار متعدد، توانسته است سطح کیفی آثار کودک و نوجوان را ارتقاء دهد.

ادبیات کودک و نوجوان سابقه ای دیرینه دارد و شاید بتوان لایلی هارا که قدمتش برابر با خط و نوشتار است، اولین حرکت ناخود آگاه در آفرینش ادبیات کودک و نوجوان به شمار آورد. برخی از پژوهشگران، ترانه ها را از نخستین گونه های ادبیات کودکان به شمار می آورند و بر این باورند که کلام آهنگین در نزد کودکان، از جذابیت

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری دانشگاه ارومیه

بیشتری برخوردار است. درخت آسوریک کهن ترین متن ادبی کودکان ایران است که دیرینگی آن به نزدیک هزار سال می رسد. این افسانه ی نوشتاری، نشانه ی آشکار پیشینه ی دراز ایرانیان در نوشتاری کردن داستان های ویژه ی کودکان است. (محمدی وقایینی، ۱۳۸۰: ۱۸۴) حوزه ی واژگان محدود در شعر کودکان و لحن غیرجدی و معما گونه وزاویه دید خوش بینانه و فضاهای شادی بخش و حرکت آفرین وهم چنین محدودیت کاربرد قالب ها و اوزان و آرایه ها، از مهم ترین شاخصه های شعر کودک و نوجوان و از وجوه تمایز شعر کودک با شعر بزرگسال است. (ن.ک. نعمت الهی، ۱۳۹۱: ۱۳۷) در مطالعه ی رئالیسم درمی یابیم که مکتبی عینی است و نویسنده هنگام آفریدن اثر بیشتر تماشاگر است و افکار و احساسات خود را در جریان داستان ظاهر نمی سازد (سیدحسینی، ۱۳۹۱: ۲۸۷) رئالیسم مکتب "واقعیت ها" و "هرچه هست هاست". یعنی هر چیزی که به پدیده های واقعی مستقل از ذهن تکیه کند. بررسی دقیق رفتارها، حالات روحی، محرومیت ها با ذکر و بیان علل آن. همه ی آن چیزهایی که در رومانسیسم، چیزی غیر واقعی را جایگزین واقعیت می کرد از قبیل ماوراء الطبیعه، فانتزی، رویا، افسانه، جهان فرشتگان، جادو و اشباح، حق و رورده قلمرو رئالیسم ندارند.

آنیمیسیم یا مکتب جان گرایی نیز در ادبیات، بیانگر حالتی است که در آن اشیاء و موجودات بی جان و لا شعور، صاحب جان و شعور فرض می شود. آنیمیسیم در حقیقت مکتبی است که به طبیعت و اشیاء جان و روح می بخشد. با این تعاریف در تحلیل و بررسی آثار ناصر کشاورز رد پای مکتب رئالیسم در اشعار او که بیشتر بر واقعیات مبتنی است، یافته می شود. البته بیان این واقعیات در اشعار کودک او ملموس تر است و در آثار نوجوان او کمی با تخیل نیز امتزاج می یابد. آنیمیسیم نیز گرچه در آثار کودک کشاورز نیز دیده می شود اما کاربرد آن در آثار نوجوان او برجسته تر می نماید. در این مقاله پنج مجموعه از اشعار ناصر کشاورز با عنوان "از این طرف لطفا فقط هیس"، "بوی نرگس"، "تلخ و شیرین"، "رنگ های گمشده" و "سیب جان سلام" بررسی شده است. روش تحقیق کیفی با رویکرد توصیفی تحلیلی است و کوشش نگارنده بر آن است که به این سؤالات پاسخ داده شود که:

الف- آیا آثار ادبی کودک و نوجوان در کشور ایران از قابلیت تطبیق با مکتب های ادبی جهان بهره مند است؟

ب- اصولاً کدام مکاتب ادبی می تواند با دریافت های ذهنی کودکان و نوجوانان سازگارتر باشد؟

۲. پیشینه ی پژوهش ملی پژوهش های شعر معاصر فارسی  
پژوهش هایی که تاکنون در حوزه ی ادبیات کودک و نوجوان انجام شده است، بیشتر به جنبه های تحلیلی و مقایسه ای و کاربرد صور خیال و صناعات ادبی در آثار شاعران و نویسندگان این حوزه و یا بررسی نوعی از انواع ادبی در آن پرداخته است. بنابراین از آن جا که تعداد پژوهش های انجام شده در زمینه ی مورد بحث، بسیار معدود و حتی نایافت است و تحلیل آثار مجموعه های شعر و قصه کودک و نوجوان با این عنوان تازگی دارد، نگارنده در این جا، فقط به ذکر عنوان چند مقاله ای پرداخته است که در زمینه ی ادبیات کودک و نوجوان ارائه شده، بی آن که با موضوع مورد بحث مرتبط باشد. از جمله آثار یاد شده می توان به این نمونه ها اشاره داشت: نعیمی (۱۳۸۴) در هیولایی با هزار سرویک سودا، به تحلیل آثار کودک احمد شاملو پرداخته است و ضمن منسوب داشتن او به تعهد وجدیت در قبال مخاطب کودک، به نقد پریا و دخترای ننه دریا پرداخته است.

شیخ الاسلامی (۱۳۸۵) در مقاله ی کودکی در آینه بانگهای شکل شناسانه رابطه ی ادبیات کودک و ارزش مسلط زندگی را مورد واکاوی قرار داده با بررسی روانشناسانه و نگاهی منتقدانه به این نتیجه رسیده است که اعتقاد به اقلیت بودن کودک، مانع دفاع از سویه های تربیتی ادبیات کودک می گردد و همچنین با در سر داشتن سودای احترام به سوژه ی کودکانه نیز نمی توان ادبیات کودک را موظف به تبلیغ نظام خاص بزرگسالانه کرد.

علی ارمان (۱۳۸۵) در مقاله ی صور خیال در شعر رحمان دوست، صورت های خیالی تشخیص، تشبیه، تشبیه فشرده، استعاره، کنایه و مجاز را در شعر او یافته و آن ها را به شکل مفصل مورد بحث قرار داده است. مقاله ی یاد شده، کوتاه شده ی رساله ی کارشناسی ارشد اوست. جاهدجاه (۱۳۹۱) در بررسی جایگاه زمان در اشعار روایی کودکان،

به نتیجه می‌رسد که جایگاه زمان در روایت کودکان گروه سنی الف باید متناسب با ویژگی های ذهنی کودکان این رده سنی و میزان درک آنان از مقوله ی زمان باشد.

محمدی و روزبهانی (۱۳۹۱) نیز با بررسی فانتزی در آثار احمد رضا احمدی، این گونه نتیجه گیری کرده اند که احمد رضا احمدی در آثار کودکان اش موفق به خلق قصه هایی شده است که به فرم و قالب فانتزی نزدیک است. هم چنین مکتبی فرد و منصوریان (۱۳۹۱) در مقاله ی تبارشناسی پژوهش های ادبیات کودکان از منظر روان شناختی، به این نتایج دست یافته اند که پژوهشگران حوزه ی ادبیات کودک و نوجوان بیشتر از روش سندی کتابخانه ای و سپس از تحلیل محتوا بهره گرفته اند.

نیز صدوری نیا و منفردان (۱۳۹۵) در مقاله ای با عنوان گونه شناسی فانتزی در دو داستان صمد بهرنگی با بررسی دو داستان فانتزاستیک "اولدوز و کلاغ ها" و "اولدوز و عروسک سخنگو" نتیجه گرفته اند که هر دو داستان در قالب فانتزی های عام و زیر مجموعه ی فانتزی های اسباب بازی، سایکو فانتزی، خواب و رویا، آرمان خواه و جانوری قرار می گیرند و الگوی سفر در داستان اولی پرخشی و در دومی خطی است.

البته همان طور که گفته شد، مقالات مذکور، از این منظر که موضوع آن، ادبیات کودک و نوجوان است، با مقاله ی حاضر مرتبط است، اما از نظر نگاه واکاوی مکتب های ادبی در آثار کودک، ارتباطی با این مقاله ندارد. با توجه به پژوهش های اندک در زمینه ی مورد بحث، تحلیل آثار کودک و نوجوان در این مقوله، قابل تحقیق و بررسی می نماید.

### ۳. مبانی نظری پژوهش

#### ۳-۱. ادبیات کودک و نوجوان

برای بررسی مفهوم ادبیات کودک و نوجوان، تعریف شاخصی از کودک و نوجوان ضروری می نماید. بدیهی است تفاوت اصلی کودک و نوجوان و بزرگسال در شخصیت، تجربه و نوع نگرش آن هاست. "کودک، تجربه های محدودی دارد، از صدق و صفای باطن کودکان برخوردار است، هنوز با نیرنگ ها و سوء نیت های احتمالی بزرگسالان آشنا نیست و عمدتاً یک موجود عاطفی است تا عقلی." (شعاری نژاد، ۱۳۷۸: ۳۵۲) هارتر (۱۹۹۸) بر این باور است که کودکان امکان اندیشیدن دارند و با وجود زبان قادر به بیان تجربه های ذهنی خود هستند. (ن.ک.برک، ۱۳۸۴: ۳۵۲) کودکان نمی توانند بین ارزش ها و اعتقادات دنیای بیرونی و دنیای درون خود وجه تمایز قائل شوند. آن ها با ارزش های ذاتی به دنیا نمی آیند و بدون آموزش در اجتماع نیز نمی توانند این ارزش ها و نگرش ها را رشد دهند. (شفیع آبادی و ناصری، ۱۳۸۴: ۳۷)

جان لاک کودکی را دوران تکوین یا شکل گیری می داند. ژان ژاک روسو (۱۷۱۲-۱۷۷۸) در فرانسه، نیروهای درونی کودک را مهم می شمارد. او کودک را بزرگسال حقیر یا دانش آموز نادان نمی داند، بلکه برای هر طفل طبیعتی قائل است که بزرگسالان را بر حذر می دارد از این که او را در کلیشه های ساخته ی خودشان بریزند. (ن.ک. شعاری نژاد، ۱۳۷۸: ۶۷-۶۸) کودکی با همه ی ویژگی های یگانه اش، از دیگر جنبه های زندگی بشر جدانیست، به سخن دیگر، آن چه که با انسان و علوم مرتبط با اوست (به صورت مستقیم و در قالب علوم انسانی و یا به شکلی غیر مستقیم و در قالب علوم محض و کاربردی)، کودک و مقوله ی کودکی را نیز در بر می گیرد. (مکتبی فرد و منصوریان، ۱۳۹۱: ۱۳۸) ساندستروم نوجوانی را این گونه تعریف می کند "مرحله ی انتقال از کودکی به بزرگسالی" (شعاری نژاد، ۱۳۷۸: ۴۸) در سال ۱۸۰۲ مفهوم نوجوانان توسط ساراتریمر، به عنوان "گروهی مجزای برای مخاطب قرار گرفتن یا تعلیم دیدن" مطرح شد. (شیخ الاسلامی، ۱۳۸۵: ۴۸)

حال با توجه به تعاریف یاد شده می توان ادبیات کودک و نوجوان را شامل آثار مکتوب هنرمندانه ای دانست که مخاطب آن به طور خاص کودکان و نوجوانان هستند. در اروپا به شکل شفاهی سابقه ای ۳۰۰ ساله و در ایران نیز به دوران پیش از اسلام بازمی گردد و در قالب هایی مثل لالایی، افسانه، چیستان و... ظهور کرده است. بنابراین اعتقاد که "شعر بزرگسالان مخاطبی معین ندارد، اما شعر کودکان دارد، پس رعایت وضعیت و شرایط گروه های سنی ضروری

است". (نعمت‌اللهی، ۱۳۹۱: ۱۳۶) مصطفی رحماندوست، شعر کودک و نوجوان را چنین تعریف می‌کند: "شعر ناب کودکان شعری است که تمام ویژگی‌های یک شعر کامل را دارد و در اصول باشعربزرگسالان تفاوتی ندارد. (ارمغان، ۱۳۸۵: ۲۲۲) سرامی معتقد است که کودکان قادر به درک ناب‌ترین مسائل عرفانی اند، مسائلی از قبیل جان دار بودن اجزاء عالم، بازگشت به اصل، وحدت وجود، وجود ملکوت و... به شرط آن که مسائل مطرح شده رادر زبانی بریزیم که برای شان جذابیت داشته باشد. (ن.ک. سرامی، ۱۳۸۰: ۱۲۴)

ادبیات کودکان در ابتدا، ریختی شفاهی و در بخش‌هایی نیز با ادبیات بزرگسالان، همسان بوده است، زیرا در آن دوران، رده بندی مخاطب پدید نیامده بود. گستره ی ادبیات شفاهی از اسطوره های گسسته، روایت های جادویی که دیگر کارکرد اصلی خود را ندارد و حماسه های ملی که میراث نیاکان بوده اند، آغاز می شود و تاروایت های غم بار و شادی آور زندگی روزمره و ترانه های کودکانه ای هم چون لالایی ها و متل های آهنگین می رسد. (محمدی و قایینی، ۱۳۸۰: ۱۱)

### ۲-۳. رئالیسم

رئالیسم از مکاتب ادبی است که ابتدا در فرانسه بوجود آمد و دوتن از نویسندگان غیر مشهور فرانسه به نام های شانفلوری و دورانتی این مکتب را پایه گذاری کردند. آن دودر مخالفت با رومانتیسم به توصیف زندگی مردم عادی و خورده بورژوا پرداختند. شانفلوری در سال ۱۸۷۲ رئالیسم را این گونه تعریف می کند: "انسان امروز در تمدن جدید" (سیدحسینی، ۱۳۹۱: ۲۷۸) از مشخصه های مکتب رئالیسم می توان به تشریح جزئیات، شناختن دنیا، دور کردن هیجانات شخصی از خود و زیان مند دانستن الهام اشاره کرد. این مکتب در نیمه ی دوم سده ی نوزدهم میلادی پدید آمد. این مکتب، تجلی گاه هنراست و بیانگر شخصیت انسان. مراد رئالیست ها از حقیقت و واقعیت بحث فلسفی آن نیست، بلکه معنای واژه در عرف عام است، مسائلی که به واقعیت شبیه است. نویسنده ی رئالیست بخشی از زندگی را زیر ذره بین می گذارد. (شمیسا، ۱۳۹۰: ۸۲)

در رمان و نمایشنامه، نه باخیال پردازی و فرد گرایی، که با شرح واقعیات زندگی به تجسم آن می پردازد. می توان گفت همه ی انسان ها با وجود اعتقاد به جهان خارج رئالیست هستند، حتی ایده آلیست ها که همه چیز را نسبت به تصورات و خیالات، ذهنی می کنند. دکتر سیروس شمیسا ضمن این که نوع ادبی غالب در رئالیسم را زمان می داند. چهار اصل مربوط به رمان عصر رئالیسم را این گونه مطرح می کند، تشریح جزئیات، توجه به حوادث کوچک و برجسته کردن آن ها، استفاده از راوی سوم شخص، تیپ سازی. (ن. ک. شمیسا، ۱۳۹۰: ۸۴) "سبک رئالیسم در هنر و ادبیات یعنی شیوه و سبک گفتار و نوشتار متکی بر واقعیت" (مطهری، ۱۳۶۸: ۸۱) نویسنده و شاعر مکتب رئالیسم، جهان خارج از ادراک انسان را باور دارد و می داند با مرگ انسان، جهان خارج، هم چنان وجود خواهد داشت. مویاسان معتقد است "رئالیسم یعنی کشف و ارائه ی آن چه انسان معاصر واقعا هست." از نظر او، "قهرمان نویسنده ی رئالیسم، از میان مردم است و فردی غیر عادی نیست." (سیدحسینی، ۱۳۹۱: ۲۷۸) دکتر شمیسا نیز در مقایسه ی رئالیسم با رمانتیسم، توجه به واقعیت، برون گرایی، قهرمانی افراد عادی و توجه به جزئیات را از مشخصه های رئالیسم بر می شمرد. (ن. ک. شمیسا، ۱۳۹۰: ۸۵-۸۶) هدف اصلی رئالیسم، دریافت تاثیر محیط بر زندگی و تحلیل تیپ های موجود در اجتماع است. تولستوی و داستایوسکی در روسیه و دیکنز در انگلستان از نمایندگان برجسته ی این مکتب اند.

### ۳-۳. آنیمیسم

آنیمیسم بیانگر حالتی است که در آن گویی اشیا جان و شعور دارند. این واژه از آنیما گرفته شده است که به معنای روح است. ارواح و جان ها غالبا به گیاهان و حیوانات نسبت داده می شود. در دهه ی ۱۹۷۰ درباره ناشادی ها، ناراضایتی ها و خودکامی های نوجوانان بسیار نوشته می شد و این خطر وجود داشت که در اثر کوشش گمراهانه به سوی واقع

گرایی اجتماعی، تعدادخوانندگان نوجوان کاهش یابد. (اکلشر، ۱۳۸۵ : ۱۲۷) یکی از قابلیت های جان دارانگاری، هم ذات پنداری با نویسنده است.

#### ۴. بررسی توصیفی پنج مجموعه شعر ناصر کشاورز

##### ۴-۱. مجموعه ی سبب جان سلام

توجه به جزئیات و ریزبینی، سادگی، صمیمیت بیان، کاربرد آرایه های ادبی در حد نیاز و به شکل غیرتصنعی، کشف های بدیع، روایت گونگی و حتی کاربرد طنزی آرام و بهره وری از تجارب شخصی، از شگردهای شاعرانه ی ناصر کشاورز است که گاه مخاطب را به شگفتی وامی دارد. اما در کنار این همه، دو تکنیک اساسی و تعیین کننده در سرنوشت شعر او را نباید از نظر دور داشت:

##### ۱- توجه به واقعیات زندگی و واقیعت گرایی (رنالیم)

##### ۲- توجه به جان دارانگاری و جان بخشی به عناصر بی جان و بی روح (آنیمیسیم)

یکی از آثار کودک کشاورز که برای گروه سنی الف سروده شده است، مجموعه ی "سبب جان سلام" با تصویرگری مهشید مهاجر است. شعر پنجم این مجموعه "ذره بین" نام دارد.

در این شعر، شاعر به کودکی اشاره دارد که با ذره بین به انگشت هایش خیره می شود و ذره بین کمک می کند که او خطوط روی دست و خال آن را برجسته تر مشاهده کند، تا این قسمت کودک فقط مشاهده می کند و هرچه هست را می بیند، اما ناگهان تصور و خیالی زیبا در اندیشه ی او می نشیند. خطوط انگشتان در ذهن او تبدیل به امواج و خال نیز تبدیل به یک ماهی می شود. شاعر، مخاطب را از واقیعت به خیال می رساند و او را شگفت زده می کند.

شاعر در دو بند ابتدایی تا "در آن همه خط بود" فقط به بیان آن چه دیده است می پردازد (آن چه که هست) و فقط در بند آخر از تشبیه و جان دارانگاری بهره جسته است. خال را به ماهی و خطوط انگشت را به امواج تشبیه می کند و علاوه بر آن خال را نیز صاحب روح می پندارد. او با به کارگیری تشبیه آن هم بدون ذکر ادات و وجه شبه، یعنی تشبیه بلیغ، به زنده بودن و ملموس بودن تشبیه نیز کمک می کند.

در همین مجموعه شعر هفتم با عنوان "سبب جان سلام" شاعر به روایت کودکی می نشیند که غصه دار است، اما غصه ی او از نوع بزرگسال نیست، غم لطیف او، برای یک سبب است که همیشه بی رحمانه خورده می شود، گاز زده می شود، پوست کنده می شود، اما تاکنون هیچ کس به آن سبب احترام نگذاشته و به او سلام نکرده است. شاعر در این شعر نیز، از چیزی سخن می گوید که هست، واقیعت دارد و در دنیای ذهن کودک، می تواند همانند آدمی زندگی کند. ناگفته نماند که شاعر در این سروده تلویحا به تکرار و یکنواختی و نگاه های سطحی و بی تغییر نیز اشاره دارد. همه سبب را به یک شکل نگاه می کنند، اما هیچ کس، به گونه ای دیگر، با جهان بینی دیگر، بانگاهی دیگر، به قول سهراب سپهری "جوری دیگر" نمی بیند.

آخرین شعر این مجموعه، به نام "پیوند" است. این شعر قصه ی درخت پرتقال است که با نارنج عروسی کرده است و مسبب این عروسی و پیوند، آقای باغبان است. در این سروده نیز شاعر علاوه بر این که ذهن کودک را با مسئله ای ساده اما مهم مواجه می سازد، مسئله ی آموزش و تعلیم را نیز در نظر دارد، آموزشی که تلویحی و بسیار آرام است. در پایان این شعر، کودک دو نکته ی اساسی را بی آن که برای دانستن آن متحمل رنجی شود- آن گونه که در آموزش سنتی، فراگرفتن هردانشی معمولا با رنج همراه است- خواهد آموخت. اول این که درخت پرتقال و نارنج می توانند با یکدیگر پیوند بخورند و دیگر این که در هر فصلی پیوند درختان امکان پذیر نیست و آخر اسفند موعد پیوند است. ضمن این که خود واژه ی پیوند ایهام لطیفی به مفهوم و کاربرد متفاوت پیوند در اصطلاح عامیانه و اصطلاح باغبانی دارد.

مروری بر همین سه شعر از مجموعه ی سبب جان سلام، می تواند خواننده را با جهان بینی عارفانه ی شاعر، آشنا سازد. جهان بینی که برای بزرگسالان نیز جذاب و قابل تأمل است و در هر مرحله از القاء مفهوم، مخاطب بزرگسال به



این خواهد اندیشید که نگاه سهل انگارانه، به اندیشه‌ها و احساسات کودکان، ناشی از عدم شناخت دقیق این موجود کوچک، اما با احساسات بزرگ است. همه‌ی روان‌شناسان بر این باورند که رویدادهای نخستین سال‌های زندگی کودک، اثری عمیق بر مرحله‌های رشد و تکامل او دارد، بنابراین شخصیت هر فرد، بازتاب این رویدادها و مرحله‌های تکامل اوست. (نعمت‌اللهی، ۱۳۹۱: ۹) به نظر می‌رسد شاعر با روان‌شناسی کودک آشناست و همین دانش و آموخته‌ها به شکل بسیار ناخودآگاه در سروده‌های او خود را می‌نمایند و خواننده احساس می‌کند با شاعری صاحب فن و دانشور در این حیطه مواجه است.

در شعرهای ناصر کشاورز، **واقعیات** به دو شکل رخ می‌نماید:

### ۱- واقعیت از دریچه‌ی نگاه کودک

#### ۲- واقعیت از دریچه‌ی نگاه غیر کودک یا بزرگسال

در شعر کشاورز "سیب" واقعیت دارد. "آدم" هم واقعیت دارد و این هردو برای مخاطب غیرکودک، قابل هضم است. اما این که "سیب آدم باشد" واقعیتی است که برای کودک کاملاً پذیرفتنی است، اما برای مخاطب بزرگسال غیر واقعی و کمی عجیب به نظر می‌رسد. ناصر کشاورز خوب می‌داند، مخاطب اصلی اشعارش کودکانند و باید از دریچه‌ی ذهن آن‌ها، فرمول ارتباط عناصر و پدیده‌ها را ارائه دهد. کودکان دنیا را از دیدگاه خویش تعبیر و تفسیر می‌کنند و بیش از بزرگسالان صداقت دارند. (نعمت‌اللهی، ۱۳۹۱: ۱۲) کشاورز نگران قضاوت‌های غیرکودکانه نیست و همین اندیشه به شعر او جسارت بخشیده است و شعر او را به مرزهای بیان نکته‌های بدیع و شگفت سوق می‌دهد. حقیقت آن است که ادبیات کودک، به مثابه یک نهاد، ریشه‌های تبارشناسانه‌ی خود را دارد. نویسنده‌ی ادبیات کودک و نوجوان، باید تمام تلاش خود را به کاربندد تا دستگاه‌های فکری خویش را با دستگاه فکری مخاطب خود تطبیق دهد و در آن دستگاه فکری سخن بگوید. (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۸۵: ۵۴) بالدریج، "سخن‌گفتن را رفتاری می‌داند که به تشکیل جهان کودک، کمک می‌کند و او را از خود محوری به اجتماعی شدن متوجه می‌سازد." او معتقد است سخن‌گفتن، سبب تلقین افکار و احساسات و نظرات کودک می‌شود و تاثیرات او به وسیله‌ی کلمات امکان‌پذیر است. (ن. ک. شعاری نژاد، ۱۳۷۸: ۳۰۳)

۲-۴. مجموعه‌های "از این طرف لطفاً فقط هیس" و "گل نرگس" شعر معاصر فارسی بانگاهی به مجموعه‌ی دیگر او "از این طرف لطفاً فقط هیس!" بانقاشی‌های محمد علی بنی‌اسدی، این نکته باز هم به اثبات می‌رسد که شناخت عمیق مخاطب، از دلایل اصلی موفقیت کشاورز در عرصه‌ی شعر کودک است. این مجموعه برای گروه سنی ۳ سال‌های چهارم و پنجم دبستان سروده شده است. در شعر چهارم این کتاب با عنوان "اسکلت ماهی" شاعر داستان اسکلت یک ماهی را بیان می‌کند که موجی او را به ساحل پرتاب کرده و موجودات کنار دریا آن را خورده‌اند و آن‌چه از او به جا مانده، اسکلتی است که آرزوی دیدار دوباره‌ی دریا را دارد. این شعر نیز بانگاهی واقعیت‌گرایانه از دیدگاه کودک، به شرح ماجرای اسکلت ماهی‌ای پرداخته است که می‌تواند شبیه‌شانه تصور شود- در زندگی روزمره و از این دست همانند سازی هادر ذهن کودکان کم‌اتفاق نمی‌افتد- و برای شانه زدن گیسوی دریا (امواج)، به دریا بازگردد. در پایان این شعر نیز بیان آموزش، با شگردی زیرکانه، به کودک منتقل می‌شود، این که در دنیای زمینی و دنیای آدم‌ها، اگر می‌خواهی دیگران طالب تو باشند، باید برای آن‌ها سودمند و مفید باشی. یکی از موارد مهمی که باعث می‌شود، سروده‌های این شاعر به رئال و واقعیت نزدیک شود، بیان تجربیات شخصی و کشف و شهودی است که خود، آن را تجربه کرده است. ایشان در مصاحبه‌ای گفته است: "معمولاً شعرهایی که گفته‌ام، تجربه‌ی شخصی خودم بوده است، البته در بزرگسالی. مثلاً با همسرم رفته بودم نانوايي، سنگ داغی برداشتم، دستم سوخت." و حاصل این تجربه، شعر "یک سنگ کوچولو" می‌شود.

اگر بخواهيم دلایل رنال بودن برخی آثار ناصر کشاورز را تیتروار عنوان کنیم، این دلایل عبارتند از:

### ۱- بیان امور واقعی و موجود

اغراق نیست اگر گفته شود هر کدام از مجموعه های کشاورز را که می گشاییم، به واژگانی بر می خوریم که به شکلی بسیار زنده و واقعی در زندگی ماجریان دارد. اشیاء، حیوانات، جمادات، گیاهان، حشرات رنگ ها، انسان، سنگ ها و خلاصه هر چیزی که موجود است.

- می کشم دراز/ روی سطح آب (کشاورز، ۱۳۸۳: ۱۹)
- رنگ ها خیلی عجیبند/ رنگ هامر موزهستند (کشاورز، ۱۳۸۳: ۲۱)
- یک چیز تازه/ فهمیده ام من/ کاری ندارد/ جوراب شستن (کشاورز، ۱۳۸۷: ۱۸)
- من امروز از ریاضی/ گرفتم نمره ی هفت (کشاورز، ۱۳۸۷: ۱۰)
- اسباب بازی او/ یک دفتر و مداد است (کشاورز، ۱۳۸۷: ۲۲)

### ۲- بررسی رفتارها و بیان حالات روحی

به نظر جان لاک (۱۶۳۲-۱۷۰۴) تجربه های نخستین آدمی، عمیقادر زندگی بعدی او اثر می گذارند و کشاورز آگاهانه با در میان گذاردن واقعیت ها و تجربیات خویش بازبانی کودکانه به مخاطب و گاه واداشتن او به ریزینی ودقت در آفرینش در تلاش است تا نیروهای درونی او را بیدار سازد و سهمی در آگاهی او داشته باشد.

- مردم همه سرگرم و غافل/ از سرنوشت تلخ سینند (کشاورز، ۱۳۸۳: ۴)
- گل در اشک و التماس/ اوبه فکر کار و کسب (کشاورز، ۱۳۷۹: ۲۰)
- خسته گشته ام/ از کف و حباب (کشاورز، ۱۳۸۳: ۱۹)
- توی این مسجد همیشه/ حرف ما از مهربانی ست (کشاورز، ۱۳۸۷: ۸)
- من از درس ریاضی/ چرا باید بترسم (کشاورز، ۱۳۸۷: ۱۰)
- این لنگه کفشم الان/ تنها شده نشسته (کشاورز، ۱۳۸۷: ۲۴)
- کشاورز خوب می داند فطرت کودک، چون معادله ای  $n$  مجهولی، با چند معلوم است و وظیفه ی او و ما تبدیل مجهولات این معادله به معلومات تازه و حرکت مستقیم و مستمر در جهت حل آن است. (سرامی، ۱۳۸۰: ۴۸)
- بروتاته آینه/ بپرس از خودت کیستی (کشاورز، ۱۳۷۹: ۱۳)
- خیره شو روزی به دیوار/ یا چه می دانم به لیوان (کشاورز، ۱۳۸۳: ۲۱)

### ۳- تشریح جزئیات

اشعار کشاورز به دلیل نوع مخاطب و از طرفی به دلیل نوع نگاه خود شاعر، بسیار جزئی نگر است و همین نگاه دقیق و ریزین منجر به کشف بسیاری از نکته های تازه شده که در زندگی روزمره شاید خیلی اوقات ما نیز با آن سرو کار داشته ایم اما آن چنان که در چشم شاعر جلوه کرده است با آن روبرو نبوده ایم. البته علاوه بر نگاه دقیق شاعر، خیال پردازی های شاعرانه ی اوست که که نگاه تیزبینش را به پرواز در می آورد و گاه با دیدن یک خودکار و یک ورق کاغذ یاد مرغی می افتد که بر زمین نوک می زند و گاه به هنگام عبور از کنار گل فروشی به پاهای بریده ی گل هامی اندیشد.

- نوک می زند خودکار/ بر کاغذ کاهی (کشاورز، ۱۳۷۹: ۱۸)
- کشاورز با ایجاد کشش و جاذبه درسروده هایش بیش از آن که در اندیشه ی سرگرم کردن خواننده ی شعرش باشد دغدغه ی آموزش نکات اخلاقی را آن هم به بهترین وجه به مخاطب دارد.
- باز مرد گل فروش/ پای گل هارابرید/ مشتری در روح خود/ جیغ آن ها را شنید (کشاورز، ۱۳۷۹: ۲۰)
- دوباره ذهن من/ شلوغ و درهم است/ شبیه این اتاق/ که نامنظم است (کشاورز، ۱۳۷۹: ۷)

## ۴-مشاهده و دیدن

لازمه ی هنر، خوب دیدن و خوب نگاه کردن است و هنرمند برای ترسیم جزئیات باید صاحب نگاهی جستجو مند باشد. در شعر کشاورز همه ی عناصر دست به دست هم می دهد تا تنوع و جاذبه در فضایی صمیمی و اثرگذار بابه کارگیری تکنیک های خلاقانه به یادگیری منجر شود.

چگونه می توانی / بگویی بد به مرداب (کشاورز، ۱۳۷۹: ۹)

باز مرد گل فروش / پای گل ها را برید / مشتری در روح خود / جیغ آن ها را شنید (کشاورز، ۱۳۷۹: ۲۰)

## ۵- بیان و تحلیل جامعه ی معاصر

در اغلب شعرهای کشاورز، بیان واقعیات، به نوعی نقد اجتماعی می انجامد، با بیانی البته متناسب با شعر کودک و نوجوان به گونه ای که گاه این سروده ها مخاطب سومی هم از نوع بزرگسال می یابد و جالب این که خلاقیت در شعرهای او به نوعی هنجارگریزی منتهی می شود که بسیاری از بدها و خوب های فرضی در شعر او جایشان تغییر می کند. شاعر با جهان بینی خود همه چیز را می سنجد و نه با نگاه معمول اجتماع. در شعر کشاورز به جای دستگیری دزد می توان دست او را گرفت، می توان به عابران ناشناس سلام داد، می توان با زندگی مهربان تر بود.

واقعا دارد ضرورت / این همه دیوار و نرده؟ / قفل، سیمان، آجر، آهن / باز صدر حمت به پرده / دست دزدی را گرفتن / بهتر است از دستگیری / کاش می خوردیم با او / در شبی نان و پنیری (کشاورز، ۱۳۷۹: ۱۰)

چه فهمیده ایم از هلو؟ / هلو را فقط خورده ایم / به جز خوردنش واقعا / چه سودی از آن برده ایم؟ (کشاورز، ۱۳۷۹: ۱۳)

چرا دست هابسته اند؟ / ندارند با هم تماس / چه اشکال دارد سلام / به یک عابر ناشناس (کشاورز، ۱۳۷۹: ۲۰)

چرا از طلا کمتر است / بهای گل اطلسی؟ / برای قفس داشتن / ندارد مجوز کسی (کشاورز، ۱۳۷۹: ۱۵)

کشاورز در طرح واقعیات با نگاهی هنجار شکن، تعجب انسان را بر می انگیزد. او در تمام اشعارش نشان داده است، به کودکان احترام می گذارد و آن ها را خوب می شناسد و دنیای کودکانه شان را در عین سادگی، بسیار جدی می انگارد. نگاه شگفت آفرین او به خلقت، تحسین بر انگیز است. امتزاج خیال و واقعیت در اندیشه ی او، بیانگر این آمیختگی در ذهن کودک است. کودکی که گاه به پدیده های واقعی، شکل خیالی می بخشد و گاه عناصر خیالی را واقعی می پندارد، گویی در ذهن پاک و بی آرایش او، خیال عین واقعیت و با آن یکی است. در نگاه کودک، ستاره چشمک می زند و ماه لبخند. گاه سوسک، خاله می شود و گاه موش، آقایی که از اداره باز می گردد. از این روست که یک مورچه، می تواند او را روزها سرگرم کند و بازی هایی خاطره انگیز را در ذهنش ترسیم کند. البته ناگفته نماند، برخی روشنفکران بنا بر اعتراف خودشان اساساً "مسأله" ای به نام "کودک" و "ادبیات کودک" و سخن گفتن با او برای شان مطرح نیست و برای آن ها هم کودک و هم ادبیات او، بازی گونه ای شوخی وار بیش نیست و اگر هم اثری در این زمینه پدید می آید، بیشتر رویکردی تفننی دارد و برای رفع خستگی است. (نعیمی، ۱۳۸۴: ۲۷۴-۲۷۵)

## ۴-۳. مجموعه های تلخ و شیرین و رنگ های گمشده

ساندستروم برای نوجوانی دو مرحله قائل است. نوجوانی نخستین از ۱۳ تا ۱۶ سالگی. نوجوانی ثانوی یا بعدی ۱۶ تا ۲۰ سالگی. این که انسان امروز پیش از آن که با خود واقعیت مواجه باشد، با ساختن واقعیت روبرو است، واقعیت را از امری موجود به امری شدنی تبدیل می کند. همان گونه که می دانیم، ذهن آدمی مستعد شکل بخشیدن به تصاویر ذهنی از اشیاست، نه آن گونه که در واقعیت عرضه می شوند، این قوه ی پروراندن تصاویر به طور طبیعی، تخیل نامیده می شود. (تالکین، ۱۳۸۵: ۱۳۳) در ادبیات مرزهایی که بر اساس سن خواننده گذاشته می شود، همواره با فریب همراه است، به خصوص وقتی پای داستان های نوجوانان به میان می آید. (اکلشر، ۱۳۸۵: ۱۲۲-۱۲۳)



دومجموعه ی تلخ و شیرین باتصویرگری هداحدادی و رنگ های گمشده باتصاویر فائزه تقی زاده که برای گروه سنی نوجوانان نوشته شده است، شامل اشعاری هستند که از این مقوله به نیکی بهره گرفته اند. کشاورز باجان بخشی به اشیاء و گیاهان و موجودات بی جان و دادن خصوصیات انسانی به آن ها به اشعارش پویایی و حرکت بخشیده است. آنیميسم در اشعار کشاورز به چند شکل مطرح شده است:

### ۱-جان بخشی به عناصر و پدیده های بی روح و بی جان

کشاورز علاوه بر به کارگیری تکنیک های زبانی، باکاربرد برخی از صور خیال و استفاده ی دائمی از آن ها توانسته است با مخاطبانش ارتباطی تنگاتنگ و صمیمانه برقرار کند و در بین شاعران این قشر بدرخشد. یکی از دلایل جاذبه و حرکت و پویایی زبان که گریز از یکنواختی و رکود را به همراه دارد، به کارگیری آرایه ی جان بخشی یا تشخیص است که به عنوان یک تکنیک هنری می تواند علاوه بر مخاطب بزرگسال در مخاطب کودک و نوجوان نیز بسیار تاثیر گذار باشد و در او حظی ادبی ایجاد کند. از آن جا که قوه ی خیال پردازی و تصور در این قشر، قوی تر و غنی تر است، کاربرد این آرایه می تواند در دریافت مقاصد و مفاهیمی که شاعر سعی در القاء آن دارد، هم شاعر و هم مخاطب را یاری رسان باشد. زیرا بچه ها می توانند واژه های زبان، قوانین حاکم بر این واژه ها را به گونه ای عملی دریابند، بی آن که نسبت به این توانایی ها، خودآگاهی داشته باشند. (سرامی، ۱۳۸۰: ۱۱۸)

مزه ی شیرین به من از شیرگفت / ازمزمانی که به دنیاآمدم (کشاورز، ۱۳۸۵: ۵)

متانت و وقار سنگ / زبانزدزمین ماست (کشاورز، ۱۳۸۵: ۱۳)

کتاب مثل بال است / برای پرکشیدن / از این زمین خاکی / به آسمان پریدن (کشاورز، ۱۳۸۵: ۲۸)

### ۲-جان بخشی به عناصر و پدیده های جان دار (نباتی)

در شعر کشاورز همه ی موجودات می بینند، می فهمند، نگران می شوند، شادی می کنند و مانند یک انسان گاه آرزوهایی دست نیافتنی دارند و گاهی از سرنوشت خویش دلگیرند و گاه فقط به توصیف حال و روز خود می نشینند بی هیچ قضاوتی. کشاورز در تمامی اشعارش با شیوه ای غیرمستقیم به مخاطب یادآوری می شود که جهان و همه ی عناصرش در بیداری و آگاهی ست و هر چیز در آن در جستجوی کمال خویش است. او به نیکی این حقیقت را به مخاطب شعرش می آموزد که زندگی تنها از آن انسان نیست. درخت، پرنده، کوه، آسمان، آبشار و خلاصه جهان و هر چه در او هست نیز زنده است و در اندیشه ی هدفی است و آن گونه که آروین می گوید، ادبیات کودک و نوجوان را از یک سو، در حوزه ی تعلیم و تربیت و روان شناسی کودک و از سوی دیگر در قلمرو مطالعات زبان و ادبیات می دانند. (مکتبی فرد و منصوریان، ۱۳۹۱: ۱۳۸) شاعر هیچگاه از یادآوری نکات تربیتی در سروده هایش غافل نمی ماند. کشاورز در این گونه شعرها گاه از زبان عناصر سخن می گوید و گاه آنان را مخاطب قرار می دهد و گاهی نیز روایتگر آن هارا به توصیف می نشیند.

یک عمر در خاک / من ایستادم / هم توت شیرین / هم سایه دادم / حالا چه هستم / یک کاسه ی تار / در دست مردی / استاد این کار (کشاورز، ۱۳۸۵: ۲۰)

راننده ته سیگار خود را / از پنجره انداخت در راه / افتاد پیش پای آن گل / برخاست گل از خواب ناگاه (کشاورز، ۱۳۸۵: ۳۲)

### ۳-جان بخشی به موجودات جان دار (حیوانی)

شاعر گاه از زبان موجوداتی سخن می گوید که جان دارند اما فاقد بسیاری از اعمال و رفتارهای انسانی اند مثلا نمی توانند بگریند، بخندند، بخوانند، سخن بگویند. در این گونه شعرها دل، بازیگوش می شود و کلاغ شاعر و هر چه در جهان است با شعوری وصف ناشدنی در خدمت انسان قرار می گیرد.

باز ای دل بازیگوش / از سینه کجارتی؟ / بادیدن یک پرتو / از هوش چرا رفتی؟ (کشاورز، ۱۳۸۵: ۲۵)  
 آن قدیم ها من / یک عقاب بودم / توی آسمان ها / بال می گشودم (کشاورز، ۱۳۸۵: ۳۰)  
 به روی بام خانه ی ما / کنار لوله بخاری / نشسته یک کلاغ شاعر / بدون هیچ قارقاری (کشاورز، ۱۳۸۴: ۵)  
 روی این کاغذ که طرحی از تو داشت / تایپ کردم با دلم شعری سفید / ناگهان آمد شهاب اخم تو / روی  
 شعروکاغذم را خط کشید (کشاورز، ۱۳۸۴: ۱۴)

#### ۴-جان بخشی به مفاهیم انتزاعی

کودکان از خردسالی قادر به خیال پردازی اند، این نیرو به آن ها کمک می کند تا مفاهیم انتزاعی همچون عشق، وطن، ترس، شادی و... را بهتر و سریع تر دریابند. شاید ریشه ی علاقه ی کودکان به داستان ها و افسانه های خیالی و تمثیلی از همین جا نشأت می گیرد. در سرزمین ما کم نیستند نویسندگان و تصویرگران و شاعران و هنرمندانی که با طرح مفاهیم انتزاعی و ساده کردن آن در آثار کودک و نوجوان به رشد و تقویت قوه ی تخیل و در نتیجه ایجاد خلاقیت در آنان یاری رسانده، از این رهگذر آثار ارزنده ای را خلق کرده اند. کشاورز با تکنیک جان بخشی به مفاهیم انتزاعی و از راه ترسیم و نمایاندن آن به مخاطب کودک و نوجوان، این مفاهیم را به سادگی به آنان می شناساند.

ترس ما، با هیبتی مانند غول  
 می شود ظاهر، ولی پوشالی است  
 پر صد او مدعی از دور هاست  
 تا شود نزدیک، طبل خالی است  
 (کشاورز، ۱۳۸۴: ۹)

بامشاورهای احساس / مشورت کردم دوباره / تا که در کارم نباشد / حاجت هیچ استخاره (کشاورز، ۱۳۸۴: ۱۰)  
 ناصر کشاورز شاعری هدفمند و صاحب سبک است که کودک درون او، هر لحظه در مکاشفه است تا برای پرسش های بی حدش پاسخی در خور بیابد. او با اعتقاد به این که: "نباید به کودک چیزی یاد داد، بلکه باید از او آموخت." دنیای کودکی را به درستی شناخته است و معادله های او، معادله های حسابگرانه و منطقی دنیای بزرگسالان نیست. از این روست که این شاعر برجسته همان گونه که در اشعارش نمایان است، از زبان همه چیز و با همه چیز سخن می گوید و آن گونه که یدالله رویایی زبان، انسان و جهان را سه عامل مهم در غنای شعر فارسی می داند و معتقد است که هر شاعری به سلیقه ی خود پیمانه ای از آن ها برمی دارد. (ن.ک. رویایی، ۱۳۸۶: ۲۹) کشاورز با شناخت زبان، انسان و جهان پیرامونش پیمانه های بسیاری از این هر سه برگرفته است.

#### نتیجه

در این مقاله پنج مجموعه اثر ناصر کشاورز - شاعر مطرح ادبیات کودک و نوجوان - که سه مورد آن متعلق به گروه سنی کودک و دو مورد آن متعلق به گروه سنی نوجوان می باشد، مورد بررسی قرار گرفته شده است و پس از تطبیق آثار مورد نظر با مکاتب ادبی جهان، از جمله سوررئالیسم، ناتورالیسم، اومانیزم، رئالیسم، رمانتیسم، سمبولیسم، پاراناس، اکسپرسیونیسم، اگزیستانسیالیسم و آنیمیسم، ردپای دو مکتب رئالیسم و آنیمیسم را در آن می توان یافت.

از سویی، بیان کشف امور واقعی و موجود، بررسی رفتارها و حالات روحی، تشریح جزئیات، مشاهده و دیدن، بیان و تحلیل جامعه ی معاصر، از مهم ترین دلایلی است که شعر کودک ناصر کشاورز را در مکتب رئالیسم، جای می دهد و از سوی دیگر، کاربرد فراوان تشخیص و جان بخشی، به خصوص در آثار رده ی سنی نوجوان، شعر او را به سمت مکتب آنیمیسم سوق می دهد.

جان بخشی را به چهار شیوه در اشعار کشاورز می توان یافت. جان بخشی به عناصر و پدیده های بی روح و بی جان، جان بخشی به عناصر و پدیده های جان دار (نباتی)، جان بخشی به موجودات جان دار (حیوانی) و بالاخره جان بخشی به مفاهیم انتزاعی.

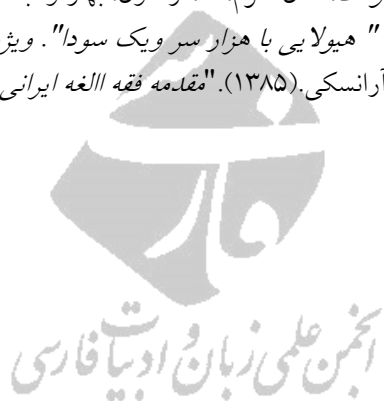
حال بنابر سوالات و فرضیاتی که در مقدمه مطرح گردید و با توجه به نتایج به دست آمده در این جستار، می توان به روشنی دریافت که آثار ادبی کودک و نوجوان همانند آثار ادبی بزرگسالان در ایران، قابلیت تطبیق با مکتب های ادبی جهان را داراست. هرچند ممکن است به کارگیری این مکاتب - که گاه نمود بسیار روشنی در آثار کشور ما دارد - آگاهانه نباشد و به شکلی کاملا ناخود آگاه و غیرعامدانه به کار رفته باشد و هرگز دغدغه ی شاعر نبوده باشد.

نتیجه این که مکتب رنالیسم بادیای ذهنی کودک سازگاری بیشتری دارد، زیرا مکتب رنالیسم، مکتب واقعیت ها و هست هاست و کشاورز، شاعری است که باشگردهای خاص خود و یادانش شناخت دقیق کودک و قتی برای اومی سراید، هر چیز موجود و حتی گاه از منظر ما، غیر قابل اهمیت را به تصویر می کشد. اوبه نیکی دریافته است، کودکان همه چیز را واقعی و موجود می انگارند و هنوز وجود پدیده ی بی جان و مسئله ی نیستی، در ذهن آنان مفهوم روشنی ندارد، حتی آن چیزهایی را که ما تخیلی می پنداریم، از منظر آنان، واقعی قلمداد می شود. شاید از این روست که آن ها به راحتی با اشعار ناصر کشاورز، هم ذات پنداری می کنند. از سوی دیگر مکتب آنیمیسیم نیز سازگار با ذهن و عواطف نوجوانان است، از آن رو که نوجوان، در جستجوی تصویر دیگری از واقعیت ها، نه آن گونه که هست بلکه به دنبال تصویری تخیلی از واقعیت است. بنابراین دو مکتب رنالیسم و آنیمیسیم از مکاتبی هستند که از قابلیت طبع آزمایی شاعران و نیز نویسندگان حوزه ی ادبیات کودک و نوجوان، به ویژه در زمینه ی شعرهای داستانی، برخوردارند.

### فهرست منابع

- اتکینسون، ریتا ال. (۱۳۸۴). "زمینه روانشناسی هیلگارد". ترجمه حسن رفیعی و مرسله سمعی و محسن ارجمند، تهران: ارجمند.
- ارمغان، علی. (۱۳۸۵). "صور خیال در شعر رحمان دوست". پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان. شماره ۴۵ - ۴۶. صص ۲۲۲ - ۲۳۷. تابستان و پاییز.
- اکلشر، جولیا. (۱۳۸۵). "واقع گرایی، رمانس، رمان های مسئله پرور معاصر". ترجمه نیلوفر مهدیان. پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان. شماره ۴۵ - ۴۶. صص ۱۲۲ - ۱۳۳. تابستان و پاییز.
- برک، لورا ای. (۱۳۸۴). "روانشناسی رشد" ۲ جلد. ترجمه یحیی سید محمدی. تهران: ارسباران.
- بویس، مری و جورج فارمر، هنری. (۱۳۶۸). "دو گفتار در باره خنیاگری و موسیقی ایران". ترجمه بهزاد باشی. تهران: آگاه.
- پلووسکی، آن. (۱۳۶۴). "دنیای قصه گویی". ترجمه محمد ابراهیم اقلیدی. تهران: سروش.
- تالکین، جی. آر. آر. (۱۳۸۵). "فانتزی و کودکان". ترجمه غلامرضا صراف. کتاب ماه کودک و نوجوان. صص ۱۲۶ - ۱۳۷. خرداد، تیر و مرداد.
- جاهدجاه، عباس. (۱۳۹۱). "بررسی جایگاه زمان در اشعار روایی کودکان". مجله مطالعات ادبیات کودک و نوجوان. سال سوم. شماره اول. بهار و تابستان.
- رژیایی، یدالله. (۱۳۸۶). "عبارت از چیست؟". گرد آوری و تنظیم از محمد حسین مدل. تهران: آهنگ دیگر.
- سرامی، قدمعلی. (۱۳۸۰). "پنج مقاله در باره ی ادبیات کودک". تهران: ترفند.
- شفیع آبادی، عبدالله و ناصری، غلامرضا. (۱۳۸۴). "نظریه های مشاوره و روان درمانی". تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- سید حسینی، رض. (۱۳۹۱). "مکتب های ادبی" ۲ جلد. تهران: نگاه.
- شعاری نژاد، علی اکبر. (۱۳۷۸). "روانشناسی رشد". تهران: اطلاعات.
- شمیس، سیروس. (۱۳۹۰). "مکتب های ادبی". تهران: قطره.
- شیخ الاسلامی، حسین. (۱۳۸۵). "کودکی در آینه". پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان. شماره ۴۵ - ۴۶. صص ۴۸ - ۵۸. تابستان و پاییز.

- صدری نیا، باقر و منفردان، الهام. (۱۳۹۵). "گونه شناسی فانتزی در دو داستان از صمد بهرنگی". مجله مطالعات ادبیات کودک. سال هفتم. شماره ی دوم. صص ۱۴۷-۱۶۵. پاییز و زمستان.
- کشاورز، ناصر. (۱۳۸۳). "از این طرف لطفا فقط هیس". مشهد: آستان قدس رضوی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۹). "بوی نرگس". مشهد: آستان قدس رضوی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵). "تلخ و شیرین". مشهد: آستان قدس رضوی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۴). "رنگ های گمشده". مشهد: آستان قدس رضوی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷). "سیب جان سلام". تهران: پریمان، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- محمدی، علی و روز بهانی، علی رضا. (۱۳۹۱). "فانتزی، در هفت روز هفته دارم". مجله مطالعات ادبیات کودک. سال سوم. شماره اول. بهار و تابستان.
- محمدی، محمد هادی و قایینی، زهره. (۱۳۸۰). "تاریخ ادبیات کودکان ایران" ۲ جلد. تهران: چیستا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۸). "اصول فلسفه و روش رئالیسم". تهران: صدرا.
- مکتبی فرد، لیلا و منصوریان، یزدان. (۱۳۹۱). "نبار شناسی پژوهش های ادبیات کودکان از منظر روش شناختی". مجله مطالعات ادبیات کودک. سال سوم. شماره اول. بهار و تابستان.
- نعیمی، زری. (۱۳۸۴). "هیولایی با هزار سر و یک سودا". ویژه نامه احمد شاملو. شماره نهم و دهم. پاییز و زمستان.
- یوسف میخائیلویچ، آرانسکی. (۱۳۸۵). "مقدمه فقه الغه ایرانی". ترجمه کریم کشاورز. تهران: پیام.



همایش ملی پژوهش‌های شعر معاصر فارسی

[www.anjomanfarsi.ir](http://www.anjomanfarsi.ir)